

## تفاوت‌های مفهومی عصمت حضرت مریم در قرآن و انجیل

زهره سادات موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش تحلیل تطبیقی مفهوم عصمت حضرت مریم در قرآن و انجیل و بررسی تفاوت‌ها و پیامدهای کلامی، اعتقادی و اخلاقی آن در اسلام و مسیحیت است. روش پژوهش، تحلیلی - توصیفی - مقایسه‌ای متون مقدس و تفاسیر معتبر اسلامی و مسیحی با استفاده از منابع اولیه و مطالعات تطبیقی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن، عصمت حضرت مریم یک ویژگی اخلاقی و انسانی است که به انتخاب و حمایت الهی برمی‌گردد و ایشان را به الگویی برای ایمان، عفاف و تقوا تبدیل می‌کند. این عصمت با آموزه‌های تربیتی و کلامی اسلام مرتبط و نقش آن بانوی بزرگ در شکل‌دهی هویت اخلاقی و معنوی مؤمنان برجسته است؛ اما در آموزه‌های مسیحی، عصمت ایشان یک ویژگی ذاتی و فیض‌محور است که از تولد تا پایان زندگی، وی را از گناه حفظ می‌کند. این ویژگی جایگاه آن حضرت را در نجات‌شناسی تثبیت و او را واسطه فیض الهی و الگوی ایمان معرفی می‌کند. تحلیل تطبیقی نشان داد که عصمت در اسلام ابعاد تربیتی-انسانی و در مسیحیت ابعاد نجات‌شناختی و الهیاتی دارد؛ اما در هر دو سنت به پاکی، ایمان و نقش ویژه زنان مقدس تأکید شده است. نتایج پژوهش تفاوت‌های الهیاتی عصمت حضرت مریم را نشان داده و فرصت‌های گفت‌وگوی بین‌ادیانی و فهم متقابل جایگاه زنان مقدس را فراهم می‌کند. این موضوع زمینه‌ای برای مطالعات آینده در الهیات تطبیقی و تحلیل نقش زنان در تاریخ نجات است.

**کلیدواژه‌ها:** عصمت، حضرت مریم، قرآن، انجیل، الهیات تطبیقی، مسیحیت، اسلام

<sup>۱</sup> استاد همکار مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

id:0000-0002-3196-0667 Email: z.mousavi18@gmail.com

## مقدمه

حضرت مریم یکی از شاخص‌ترین شخصیت‌های دینی در ادیان ابراهیمی است که هم در مسیحیت و هم در اسلام جایگاهی ویژه دارد. اهمیت او تنها به نقش مادری عیسی<sup>(ع)</sup> محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان نماد پاکدامنی، عصمت و ایمان راستین در هر دو سنت دینی مطرح است. او در انجیل لوقا، با عباراتی مانند «ای پر فیض» (لوقا ۱: ۲۸) و «من کنیز خداوند هستم، باشد که همان‌طور که گفتم، بشود» (لوقا ۱: ۳۸) توصیف شده است که نشان‌دهنده عصمت، تواضع و پذیرش نقش الهی اوست. در قرآن کریم نیز با واژگانی چون «صدیقه» و «مطفأة» معرفی شده و در سوره آل عمران (آیه ۴۲) آمده است: «خداوند تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان برتری داد». این تعبیر، عصمت وی به معنای مصونیت اخلاقی و پاکدامنی را بازنمایی می‌کند و ایشان را الگویی تقوا و پرهیزکاری معرفی می‌سازد.

با تحلیل تطبیقی این دو دیدگاه می‌توان دریافت که هر دو سنت، حضرت مریم را معصوم و پاک می‌دانند؛ اما ابعاد و تفسیر عصمت در هر یک متفاوت است. در قرآن، عصمت مریم بیشتر بر فضایل اخلاقی، تقوای فردی و نقش او در تحقق رسالت الهی تمرکز دارد؛ در حالی که در انجیل، عصمت او به‌عنوان شرط تحقق نقش واسطه‌ای در برنامه نجات بشری و محور رحمت الهی مورد تأکید است. این تفاوت‌ها، علاوه بر اختلاف در محتوای معنایی، نشان‌دهنده تفاوت دیدگاه‌های کلامی و فرهنگی درباره زن، عصمت و رابطه انسان با خداوند در دو سنت دینی است.

با توجه به اهمیت و پیچیدگی این موضوع و همچنین کمبود مطالعات تطبیقی جزئی و تحلیلی در زمینه عصمت حضرت مریم، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی تلاش می‌کند تا بازنمایی مفهوم عصمت در قرآن و انجیل را بررسی کند و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که عصمت حضرت مریم در هر یک از این دو متن چگونه بازنمایی شده است، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در ابعاد مفهومی آن وجود دارد و پیامدهای الهیاتی و فرهنگی این تفاوت‌ها چیست؟

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است؛ کتاب



«مریم در قرآن: دوست خدا، باکره، مادر» (Mary in the Qur'an: Friend of God, Virgin, Mother) نوشته مونا تاتاری و کلاوس فون اشتوش، منتشر شده در سال ۲۰۲۲، عمدتاً به بررسی ابعاد کلی شخصیت حضرت مریم و مقایسه تصویر ایشان در دو متن دینی پرداخته است. این پژوهش، هرچند درک کلی و تطبیقی از شخصیت حضرت مریم فراهم می‌کند؛ اما تحلیل جزئی و دقیق از ابعاد مفهومی عصمت در هر متن را ارائه نکرده‌اند و جنبه‌های تخصصی‌تر، مانند تفاوت‌های دقیق بین برداشت‌های قرآنی و انجیلی از عصمت، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقاله «تفسیرهای عیسی و حضرت مریم در قرآن و انجیل» (Interpretations of Jesus and the Virgin Mary in the Quran and the Bible) به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های مسلمانان و مسیحیان درباره حضرت مریم و حضرت عیسی می‌پردازد و نقش مریم در تحقق برنامه‌های الهی را در هر دو متن دینی تحلیل می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه هر دو سنت مریم را معصوم و پاک می‌دانند، اما ابعاد و برداشت‌های مفهومی عصمت در قرآن و انجیل متفاوت است و هر سنت بر جنبه خاصی از عصمت و نقشش در تحقق رسالت الهی تأکید دارد.

در حوزه مطالعات اسلامی و الهیاتی، مقاله «مریم اسلامی: میان نبوت و ارتدوکسی» (The Islamic Mary: Between Prophecy and Orthodoxy) (2021) جایگاه حضرت مریم در سنت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد و دیدگاه‌های قرون وسطی درباره نبوت و عصمت ایشان را تحلیل می‌کند. این پژوهش نیز به تحلیل جایگاه حضرت مریم در سنت اسلامی و دیدگاه‌های قرون وسطی پرداخته و تفاوت مفهومی بین عصمت در قرآن و انجیل را به‌طور جامع بررسی نکرده است. این محدودیت موجب می‌شود که هنوز چشم‌اندازی دقیق و تحلیلی از شباهت‌ها و تمایزهای مفهومی عصمت در دو سنت دینی فراهم نشده باشد. همچنین مقاله «بازنگری در نبوت حضرت مریم: دیدگاه‌های اسلامی قرون وسطی که در پژوهش‌های معاصر نادیده گرفته شده‌اند» (Mary's Prophethood Reassessed: Overlooked Medieval Islamic Perspectives (in Contemporary Scholarship) (2024)، به بررسی دیدگاه‌های اسلامی قرون وسطی درباره نبوت مریم و تأثیر آن بر الهیات سنی می‌پردازد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند

که مسئله عصمت حضرت مریم در متون اسلامی نه تنها از نظر اخلاقی، بلکه از منظر کلامی و الهیاتی اهمیت دارد و در طول تاریخ مورد تفسیر و بازنگری قرار گرفته است. از سوی دیگر، در حوزه مطالعات زنان و الهیات تطبیقی، مقاله «حضرت مریم به عنوان الگویی از طریق داستان‌های قرآنی (2025) (The Virgin Mary as a Role Model Through Quranic Stories)، عصمت و شخصیت حضرت مریم را در داستان‌های قرآن تحلیل کرده و او را به عنوان الگویی از ایمان، تقوا و زن‌بودگی معرفی می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که بازنمایی عصمت آن حضرت می‌تواند الهام‌بخش تحلیل‌های معاصر درباره جایگاه زن در متون دینی باشد و به درک عمیق‌تر از نقش زنان در تاریخ ادیان کمک کند.

با وجود پژوهش‌های یاد شده، هنوز خلأهای مهمی در مطالعات تطبیقی عصمت حضرت مریم وجود دارد. نخست، بیشتر پژوهش‌ها به مقایسه کلی شخصیت آن بانوی بزرگ پرداخته و تحلیل‌های جزئی و دقیق‌تری ارائه نکرده‌اند. دوم، تفاوت‌های مفهومی عصمت در قرآن و انجیل به طور جامع بررسی نشده است و سوم، منابع فارسی در این زمینه محدود هستند و به بررسی تطبیقی جزئی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر، ضمن پر کردن این خلأها، به تحلیل تفاوت‌های مفهومی عصمت حضرت مریم در قرآن و انجیل می‌پردازد و پیامدهای الهیاتی و فرهنگی آن را بررسی می‌کند. این مطالعه، با ارائه تحلیل‌های جزئی و مستند، پژوهشی نو و ضروری در حوزه مطالعات تطبیقی شخصیت حضرت مریم ارائه می‌دهد.

## ۱. مفهوم‌شناسی دقیق عصمت در قرآن و انجیل

### ۱-۱. معنای عصمت در قرآن

«عِصْمَت» از ریشه «عَصَمَ» در لغت به معنای «منع، نگاه‌داشتن، حفظ کردن و بازداشتن از سقوط» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹، ۲۵۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۹). استعمالات قرآنی ریشه «ع-ص-م» غالباً در معنای «حفظ» و «نگه‌داشتن» آمده است؛ مانند آیه «لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ» (هود: ۴۳) که در آن «عاصم» به معنای



پناه‌دهنده و حافظ به کار رفته است.

در اصطلاح علم کلام، «عصمت» به معنای «لطفی الهی است که بنده را با وجود قدرت بر گناه، از ارتکاب گناه بازمی‌دارد»، تعریف شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۱، ۲۹۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۷: ۴۵). این تعریف نشان می‌دهد که عصمت نفی اختیار نیست، بلکه عنایتی الهی است که انسان معصوم را به گونه‌ای برمی‌انگیزد که عملاً مرتکب گناه نشود.

برخی از کاربردهای قرآنی ریشه «ع-ص-م»، ذیلاً بررسی می‌شود:

۱. عصمت به معنای حفظ در برابر سقوط: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران: ۱۰۳). در این آیه، «اعتصام» به معنای تمسک و حفظ در پرتو ولایت و هدایت الهی است (طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۲۷).

۲. عاصم در معنای نگه‌دارنده: «لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ» (هود: ۴۳). اینجا واژه «عاصم»، ناظر به «مصون‌دارنده از بلا» است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲، ۴۰۶).

۳. اعتصام به خدا: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران: ۱۰۱). این تعبیر بیانگر نوعی حمایت الهی در برابر گمراهی و لغزش است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲، ۷۲۵).

بر اساس تحلیل آیات، برای بیان دلالت‌های الهیاتی مفهوم عصمت در قرآن، می‌توان سه لایه معنایی برای عصمت در قرآن ترسیم کرد:

الف. عصمت به معنای «حفظ الهی»: این بعد، با «اعتصام بالله» پیوند دارد (آل عمران: ۱۰۱؛ نساء: ۱۴۶) و به معنای بهره‌مندی از حمایت مستقیم خداوند در برابر لغزش است. مفسران شیعی این بُعد را مبنای نظریه عصمت انبیا قرار داده‌اند.

ب. عصمت به معنای «پناه از خطا و ضلالت»: قرآن کریم عصمت را در مقام راهبردی معرفتی نشان می‌دهد؛ بدین معنا که تمسک به «حبل الله» موجب مصونیت از گمراهی جمعی می‌شود (آل عمران: ۱۰۳). این معنا بُعد اجتماعی عصمت را برجسته می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۱۳).

ج. عصمت در معنای «لطف ویژه برای پیامبران»: در تبیین مقام انبیا، قرآن بر طهارت و مصونیت آنان تأکید می‌کند: «إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» (مریم: ۴۱) یا «وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ

فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (بقره: ۱۳۰). این توصیف‌ها اگرچه واژه «عصمت» را به کار نمی‌برند، ولی مفهومی از مصونیت پیامبران در برابر خطا و گناه را می‌رسانند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳، ۱۵۰).

## ۱-۲. معنای عصمت در انجیل

واژه «عصمت» در زبان عربی از ریشه «عَصَمَ» به معنای «حفظ کردن، بازداشتن از سقوط و نگه‌داشتن» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹، ۲۵۰). در الهیات اسلامی، این واژه به معنای «مصون بودن از گناه و خطا» به کار می‌رود. معادل‌های یونانی آن در عهد جدید، به‌ویژه در اناجیل، از طریق اصطلاحات «hamartia» (ἁμαρτία) = گناه («ἀναμάρτητος» anamartētos) بی‌گناه؛ یوحنا ۸: ۷) «hagios» (ἅγιος) مقدس / قدّوس؛ لوقا ۱: ۳۵) «dikaios» (δίκαιος) عادل / راستکار) و «amemptos» (ἀμemptos) بی‌عیب (بازتاب یافته است (Louw & Nida, 1996: 88.28; Bauer et al., 2000: 49–52).

در الهیات مسیحی و متون انجیل، واژه «عصمت» به معانی مختلفی آمده که ذیلاً به چند مورد اشاره می‌شود:

الف. ادعای مستقیم بی‌گناهی: در یوحنا ۸: ۴۶، حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> می‌پرسد: «کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟ (τίς ἐξ ὑμῶν ἐλέγχει με περὶ ἁμαρτίας)». این پرسش بلاغی به منزله ادعای بی‌گناهی است که پاسخ منفی مخاطبان، آن را تأیید می‌کند (Carson, 1991: 355).

ب. قدّوسیّت ذاتی: در لوقا ۱: ۳۵، فرشته خطاب به حضرت مریم می‌گوید: «مولود تو قدّوس خوانده خواهد شد» (τὸ γεννώμενον ἅγιον). واژه «ἅγιον» بار قدسی و وجودی دارد و نشان می‌دهد که حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> از آغاز تولد حامل هویتی قدسی است (Brown, ۱۹۹۹: ۳۲۶-۳۲۷).

ج. تبرئه قضایی: در محاکمه حضرت عیسی<sup>(ع)</sup>، پیلاطس سه بار می‌گوید: «هیچ جرمی در او نمی‌یابم» (یوحنا ۱۸: ۳۸؛ ۱۹: ۴؛ ۱۹: ۶). این شهادت بیرونی جنبه قضایی بی‌گناهی حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> را تثبیت می‌کند (Brown, ۱۹۹۴: ۸۲۰-۸۲۳). همچنین یهودا پس از خیانت می‌گوید: «خون بی‌گناه را تسلیم نمودم» (αἷμα ἁθῶνον) (متی ۲۷: ۴)؛ که این



تعبیر به طور صریح بر بی‌گناهی حضرت عیسی دلالت دارد (Brown, 1994: 642).  
 د. نقش قربانی و نجات‌بخش: در یوحنا ۱: ۲۹، یحیی تعمیددهنده حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> را «برّه خدا که گناه جهان را برمی‌دارد»، معرفی می‌کند. این عنوان بر سنت قربانی بی‌عیب تکیه دارد و نشان می‌دهد که عصمت شرط لازم ایفای نقش رهایی‌بخش او است (Köstenberger, 2005: 47–49).

به طور کلی از شواهد انجیل می‌توان دریافت که مفهوم عصمت در معنای اصطلاحی، سه لایه درهم‌تنیده دارد: یک. بی‌گناهی اخلاقی/ عملی: فقدان هرگونه گناه در زندگی حضرت عیسی (یوحنا ۸: ۴۶). دو. قدّوسیّت هستی‌شناختی: معرفی او به عنوان «قدّوس» از لحظه تولد (لوقا ۱: ۳۵). سه. تبرئه قضایی و کارکرد رهایی‌بخش: شهادت‌های بیرونی بر بی‌گناهی او (یوحنا ۱۸: ۳۸؛ متی ۲۷: ۴) و کارکرد او به مثابه برّه بی‌عیب قربانی (یوحنا ۱: ۲۹).

بدین ترتیب، عصمت در انجیل تنها به معنای اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه یک مفهوم چندلایه است که به هویت قدسی، برائت قضایی و مأموریت رهایی‌بخش حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> پیوند می‌خورد.

## ۲. تحلیل مفهومی واژه عصمت در قرآن و انجیل

مفهوم «عصمت» یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در الهیات اسلامی و مسیحی است که با وجود شباهت‌های بنیادین، تفاوت‌های عمیقی در مبانی معرفتی و دلالت‌های کلامی آن مشاهده می‌شود. بررسی این مفهوم در قرآن و انجیل، نشان می‌دهد که هر دو متن مقدس در عین تأکید بر قداست پیامبران و برخی شخصیت‌های محوری، تعریفی متمایز از دامنه و کارکرد عصمت ارائه می‌دهند.

در قرآن، ریشه واژه عصمت از «عَصَمَ» به معنای نگاه‌داشتن، بازداشتن و حمایت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲، ۴۰۵) در کاربرد اصطلاحی، عصمت به معنای مصونیت الهی از گناه، خطا و لغزش در حوزه‌های دریافت، ابلاغ وحی و عمل به شریعت است. این معنا بر مبنای اصل «لطف الهی» استوار است؛ بدین معنا که خداوند برای تحقق حجیت رسالت



و اعتماد امت به پیامبر، او را از خطا و گناه بازمی‌دارد (مطهری، ۱۳۸۷: ۹۱؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۵، ۳۳). آیات متعددی این معنا را تأیید می‌کنند؛ برای مثال در مورد حضرت مریم آمده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲) که بر «طهارت» و انتخاب الهی دلالت دارد. همچنین در خصوص پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> تصریح می‌شود: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»، (نجم: ۳-۴) که نشان‌دهنده مصونیت در دریافت و ابلاغ وحی است. بنابراین عصمت در قرآن نه تنها شامل پرهیز از گناه، بلکه مصونیت در کل مأموریت الهی را دربرمی‌گیرد.

در مقابل، در انجیل مفهوم عصمت غالباً به معنای قداست و پاکی اخلاقی شخصیت‌ها به کار رفته است و بیشتر ناظر به بُعد اخلاقی و معنوی آنان است تا مصونیت مطلق از خطا. برای نمونه، در انجیل لوقا آمده است: «سلام بر توای سرشار از فیض، خداوند با توست» (لوقا ۱: ۲۸) که در سنت مسیحی به عنوان دلالتی بر پاکدامنی و عصمت حضرت مریم فهم شده است (Brown, ۱۹۹۷: p. 264). همچنین، آموزه بی‌گناهی حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> (Hebrews 4:15) از ارکان مسیحیت است که عیسی مسیح را به عنوان تنها انسانی معرفی می‌کند که دچار گناه نشد (Kelly, 2009: pp. 112-113). با این حال، در سنت مسیحی عصمت پیامبران دیگر مانند حضرت آدم یا حضرت نوح، مطلق تلقی نمی‌شود و آنان گاه دچار لغزش دانسته شده‌اند (Augustine, 1998: pp. 89-91; Romans 5:12). از این رو، مفهوم عصمت در انجیل بیشتر ناظر به «قداست انتخابی» یا «پاکی اخلاقی» است، نه مصونیت مطلق از خطا.

مقایسه این دو سنت نشان می‌دهد که عصمت در قرآن کارکرد کلامی- معرفتی دارد؛ به گونه‌ای که شرط لازم برای اعتبار پیامبران و تحقق غایت هدایت الهی محسوب می‌شود؛ اما در انجیل، عصمت بیشتر بُعدی اخلاقی- قدسی دارد و در قالب صفات شخصیتی یا تقدس خاص برخی افراد، مانند حضرت مریم و حضرت مسیح، جلوه‌گر است. از این منظر، قرآن به عصمت نگاه نظام‌مند و مطلق دارد؛ در حالی که انجیل عصمت را گزینشی و نسبی تصویر می‌کند.

این تفاوت مفهومی پیامدهای الهیاتی مهمی دارد: در الهیات اسلامی، عصمت بنیان



اعتماد به دین و رسالت است و بدون آن حجیت پیامبر زیر سؤال می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵، ۲۷۰)؛ اما در مسیحیت، اساس ایمان نه بر مصونیت همه پیامبران، بلکه بر «فدیه مسیح» و «پاکی مطلق او» استوار است (McGrath, 2016: pp. 211-213). بنابراین می‌توان گفت که عصمت در قرآن بیشتر جنبه معرفتی و رسالتی دارد؛ درحالی‌که در انجیل جنبه نجات‌شناسانه و اخلاقی پررنگ‌تر است.

### ۳. جایگاه شخصیت حضرت مریم در قرآن و انجیل

جایگاه حضرت مریم در هردو سنت قرآنی و انجیلی به صورت نمادین مطرح شده است؛ یعنی به‌عنوان «زن برگزیده» و «مادر منقذ» مطرح می‌شود. مطالعه متمرکز بر متون محوری قرآن مانند: (آل عمران: ۴۲-۴۷؛ مریم: ۱۶-۳۶)؛ و متن انجیل مانند: (لوقا ۱: ۲۶-۵۶، متی ۱۸: ۱-۲۵) و بخش‌های مرتبط در یوحنا و مرقس، این امکان را فراهم می‌آورد که در ادامه، عصمت حضرت مریم را در چهار سطح مورد تحلیل قرار دهیم:

#### ۱-۳. تحلیل متنی و زبان‌شناختی

متون کلیدی قرآنی درباره حضرت مریم از منظر لغوی و سیاق‌شناختی، بار معنایی «اصطفاء»، «طهارت» و «اعتصام» را به نمایش می‌گذارند. واژگان محوری - چون اصطفاک (اصطفا) و طَهَّرَک (طهر) (آل عمران: ۴۲) - به صورت صریح انتخاب الهی و طهارت ذاتی را اعلام می‌کنند. این گزاره‌ها در سنت تفسیری عمدتاً به‌عنوان شواهدی دال بر «حمایت و حفظ الهی»، فهم شده‌اند که حضرت مریم را از لکه اخلاقی یا اجتماعی مصون می‌دارد (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۲۳۳؛ ابن‌کثیر، ۲۰۰۳: ۲، ۵۶؛ طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۲۷). از منظر ریشه‌شناسی، ریشه عربی «ع-ص-م» دلالت بر حفظ و بازداشتن دارد و این امر نشان می‌دهد که مفهوم عصمت در متن قرآنی نه فقط به «فعل فردی ترک گناه» بلکه به «حفاظت الهی» نسبت داده می‌شود؛ یعنی عصمت به‌عنوان یک وضعیت داده شده یا اعطایی و نه صرفاً دستاورد اخلاقی فردی تحلیل می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۹، ۲۵۰).

در متن کتاب مقدس، اصطلاحی معادل دقیق «عصمت» در معنای عربی آن تقریباً است؛ اما خوسه‌ای از واژگان (ἀμαρτία، ἀναμάρτητος، ἅγιος، ἄμεμπτος)



δικαιος) شبکه معنایی «بی‌گناهی/قدوسیّت» را می‌سازند. در لوقا (۱:۳۵)، صراحتاً قدوسیّت ناشی از تماس الهی را نشان می‌دهد؛ در پی خوانش‌شناسی یونانی، این ساخت صفتی اشاره به کیفیت موهوب (charismatic/ontological) دارد، نه صرفاً توصیف رفتاری. در یوحنا (۸:۴۶) و بخش‌های داوری حضرت عیسی<sup>(ع)</sup>، ادعاهای بی‌گناهی توسط خود شخص بیان می‌شوند که بیشتر جنبه اخلاقی-عملکردی دارند (Carson, 1991: p.355). بنابراین در اناجیل عصمت در نسبت با حضرت مریم و حضرت مسیح هم به‌صورت «هویتی/قدوسی» و هم «اخلاقی/عملی» پدیدار می‌شود (Brown, 1999: pp.326-327).

به طور خلاصه، از منظر زبان‌شناختی قرآن عصمت را به‌عنوان «وضعیت محافظت‌شده» عرضه می‌کند؛ درحالی‌که اناجیل بیشتر ترکیب «هویت موهوب» و «رفتار بی‌گناه» را بازنمایی می‌کنند. این اختلاف بنیادین در اصطلاحات سبب تمایزهای بعدی کلامی می‌شود.

### ۲-۳. سنت تفسیری و انجیلی

مفسران و متکلمان شیعی و سنی آیات مربوط به حضرت مریم را به‌عنوان شواهدی برای برگزیدگی و طهارت او خوانده‌اند و این خوانش زمینه شکل‌گیری نظریاتی درباره عصمت انبیا و برخی اولیا را تقویت کرده است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۱۵۰؛ طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۲۷). در این روایت تفسیر، عصمت پیامبران کارکردی است برای حفظ حجیت ابلاغ الهی و جلوگیری از گمراهی امت؛ خداوند حامل وحی را محفوظ می‌دارد؛ حضرت مریم در این میان نمونه زن برگزیده‌ای است که «طهارت» او نشانگر اعطای این حفاظت الهی است. در تاریخ تفاسیر مسیحی، روایت لوقایی «فرشته‌خانگی» و بیان «روح القدس بر تو خواهد آمد»، مبنای رویکردی شد که حضرت مریم را ظرف «عمل نجات‌شناختی» می‌پندارد. برداشت‌های کلیسا در گذر زمان با افزودن آموزه‌هایی که صرف پاک‌زادگی مریم از گناه به‌عنوان یک اعطای خاص الهی تا پیش از تولد حضرت مسیح را تأیید می‌کند، شکل رسمی پیدا کرده است (Pelikan, 1971: p.135; Rahner, 1975: p.92). این تحولات انجیلی نشان می‌دهد که خوانش مسیحی از عصمت حضرت مریم گرچه مبتنی



بر آیات انجیل است، اما در مسیر تاریخی خود تعابیر تکمیلی و نظام‌مندتری گرفته است. بنابراین در سنت تفسیری اسلامی عصمت حضرت مریم را از درون شبکه نصوص قرآنی و منطق هدایت‌محور پیامبری تحلیل می‌کند؛ درحالی‌که سنت مسیحی با تأکید بر نقش آن بانوی بزرگ در طرح نجات، آموزه‌هایی را تنظیم کرد که عصمت را در امتداد باورهای کلیسایی (creedal beliefs) نهادینه ساخت. این دو سنت تفسیر، همان تمایز زبان‌شناختی را در سطوح تاریخی و نهادی بازتولید می‌کنند.

### ۳-۳. قلمرو کلامی - نجات بخشی

در منطق قرآنی، عصمت پیامبر و نیز طهارت حضرت مریم بر اعتبار کلام الهی و قابلیت پیگیری دعوت پیامبر دلالت می‌کنند. اگر حامل پیام در معرض خطا و انحراف باشد، حجیت آگاهی عمومی کاهش می‌یابد. بنابراین عصمت در این چارچوب عنصر بن‌مایه ضمانت ابلاغ است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۱۵۰). برای حضرت مریم، طهارت او به عنوان «نمونه برگزیده» به لحاظ اخلاقی و اجتماعی الگوسازی می‌کند.

در سنت مسیحی، عصمت حضرت مریم ارتباط نزدیکی با مسئله کَرستی (Christology) (مسیح شناسی) دارد: لقاح باکره و پاک‌ی حضرت مریم به عنوان بستری برای تجسد بدون آلودگی الهی تعبیر شد. به بیان دیگر، عصمت مریم در منظومه کلیسایی، شرط امکان تجسد «کامل» و کفّار ساز مسیح تفسیر گردید (Brown, 1994: pp. 820 – 49; Köstenberger, 2005: pp. 47 – 847)، تا معقولیت وصف «بَرّه بی عیب» را برای حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> تأمین کند.

در نتیجه، قرآن عصمت را بیشتر در نقش «ضمانت معرفتی رسالت» می‌بیند؛ درحالی‌که در انجیل توسعه یافته (و سنت کلیسایی) عصمت مریم در خدمت منطق نجات‌شناسی و تجسد سالم قرار دارد. این تفاوت کارکردی پیامدهای عمیقی در الهیات کلی هر سنت دارد (مثلاً در تعریف رابطه خدا و انسان، در مفهوم گناه و در نظریه کفّاره).

### ۳-۴. پیامدهای معرفتی، هنجاری و جنسیتی

در سنت کلام اسلامی، عصمت پیامبران و اولیا (نمونه حضرت مریم)، موجب تثبیت مبنای معرفتی نقل دینی می‌شود. امت باید به پیامبر اعتماد کند؛ زیرا حامل وحی مصون



از انحراف است (طوسی، ۱۴۰۷: ۱، ۲۹۴). در مقابل، سنت مسیحی بر محور مرکزیتِ شخصِ حضرت مسیح در فهمِ نجات است؛ عصمتِ حضرت مریم به‌عنوان زمینه تحققِ این مرکزیت تفسیر می‌شود (Pelikan, 1971: p.135).

در هردو سنت، تصویرِ حضرت مریم به‌عنوان زنِ پاک و برگزیده نقشی هنجاری در سنت‌های مذهبی و اجتماعی ایفا کرده است. در متنِ اسلامی، الگوگیری از فضائلِ عفاف و ایمان زنانه تقویت می‌شود. در متنِ مسیحی، تصویری از مادرِ مقدس پدید می‌آید که همواره مورد پرستش و تمجید شده و در برخی بسترها به‌عنوان نمادِ مطلقِ مادریِ پاک‌دامن ارائه می‌گردد (Pelikan, 1971: pp.130-140؛ طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۲۴۰)؛ اما تفاوتِ بنیادینِ نظری - اینکه عصمت در قرآن عمدتاً «حمایتی/ هدایتی» و در انجیل «نجات‌شناختی/ مسیح‌شناختی» است - موجب تفاوت در چگونگیِ «الگوپذیری» و کارکرد اجتماعیِ این الگو می‌شود. به‌طور مثال، در سنت اسلامی عصمتِ حضرت مریم ممکن است بیشتر به‌عنوان نشانه وظیفه تبعیت از شریعت و تمسک به حبل‌الله خوانده شود؛ درحالی‌که در سنت مسیحی عصمتِ حضرت مریم به‌عنوان عنصرِ مشارکت در اسرارِ نجات و قالبِ پرستشِ مادری مورد تأکید قرار گرفته است.

#### ۴. رابطه عصمت با تقدیس و طهارت حضرت مریم در قرآن و انجیل

##### ۴-۱. در قرآن

در قرآن، عصمت حضرت مریم ارتباط نزدیکی با طهارت ذاتی و انتخاب الهی دارد. مثلاً در این آیه آمده است:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲)؛ این آیه نشان می‌دهد که پاکی و عصمت حضرت مریم نه صرفاً از روی تلاش شخصی، بلکه نتیجه انتخاب الهی و فیض مستقیم خداوند است (طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۲۸). طبری در تفسیر خود تأکید می‌کند که «اصطفاک» نشان‌دهنده برگزیده شدن برای وظیفه الهی و «طَهَّرَكِ» بیانگر پاکی کامل از گناه و نقص اخلاقی است. ابن‌کثیر نیز در این زمینه می‌نویسد که «طهارت حضرت مریم شامل جسم و روح می‌شود و عصمت او شرط



تحقق معجزه تولد حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> است» (ابن کثیر، ۱۴۱۴: ۲، ۱۲۳). قرطبی در تفسیر خود افزوده است که «عصمت حضرت مریم جنبه الهی و ذاتی دارد و او از هرگونه آلودگی معنوی و اجتماعی محافظت شده است» (قرطبی، ۱۴۲۴: ۳، ۲۰۱). همچنین در سوره تحریم، آیه ۱۲، حضرت مریم به عنوان «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» توصیف می‌شود که بیانگر پاکدامنی و طهارت اخلاقی و جسمی اوست (طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۳۱). به این ترتیب، عصمت در قرآن بیشتر حمایت و حفاظت الهی را نشان می‌دهد تا یک فضیلت اکتسابی.

## ۲-۴. در انجیل

در متون عهد جدید، عصمت حضرت مریم با مفهوم تقدیس (sanctity) و فیض الهی مرتبط است. در لوقا آمده است: «سلام بر تو ای سرشار از فیض، خدا با توست» (لوقا، ۱:۲۸). این عبارت نشان می‌دهد که عصمت آن حضرت ناشی از فیض الهی و تقدیس ویژه است، نه صرفاً پاکدامنی شخصی (Brown, 1993: 325). سنت کلیسایی با آموزه‌هایی مانند Immaculate Conception، عصمت مریم را به عنوان پاکی ذاتی پیش از تولد حضرت مسیح تبیین می‌کند و او را در مرتبه‌ای از قداست ویژه قرار می‌دهد (Pelikan, 1996: 138).

علاوه بر این، در سنت مسیحی، تقدیس حضرت مریم به معنای اختصاص یافتن کامل به خداوند برای ایفای نقش در برنامه نجات است. این نقش، آن بانوی بزرگ را نه فقط دارای یک ویژگی اخلاقی، بلکه بخشی از طرح نجات بشریت قرار می‌دهد (Rahner, 1975: 92).

چنانکه ملاحظه شد، در قرآن، عصمت حضرت مریم بیشتر بر طهارت ذاتی، پاکی کامل و انتخاب الهی تأکید دارد و جنبه اخلاقی و حمایتی آن برجسته است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۲۴۰)؛ درحالی‌که در انجیل، عصمت با تقدیس و فیض الهی مرتبط است و نقش ایشان در تولد حضرت عیسی و تحقق برنامه نجات، محوریت دارد (O'Collins, 2009: 48-49).

بنابراین، در قرآن عصمت حضرت مریم بیشتر الهی و حفاظتی است؛ درحالی‌که در انجیل نجات‌شناختی و تقدیسی. این تفاوت بازتاب‌دهنده دو جهت‌گیری معرفتی و الهیاتی



است: قرآن بر اصطفاء و حفاظت الهی تأکید دارد و انجیل بر نقش حضرت مریم در تحقق نجات و فیض الهی تمرکز می‌کند.

## ۵. پیوند عصمت با آموزه‌های انسان‌شناسی در قرآن و انجیل

### ۱-۵. در قرآن

در قرآن، حضرت مریم به‌عنوان انسانی برگزیده و پاک معرفی شده است؛ اما این برگزیدگی او را از ماهیت انسانی‌اش جدا نمی‌کند. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَفَضَّلَكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲). این آیه نشان می‌دهد که عصمت مریم، نتیجه انتخاب و طهارت الهی است؛ اما او همچنان در چارچوب انسانیت قرار دارد. مفسران اسلامی مانند ابن‌کثیر در تفسیر خود بر این نکته تأکید کرده‌اند که عصمت حضرت مریم، به‌معنای برتری ذاتی ایشان نیست، بلکه نشان‌دهنده انتخاب ویژه الهی است که وی را از گناه و انحراف محفوظ می‌دارد (ابن‌کثیر، ۱۴۱۴: ۲، ۱۲۳). علامه طباطبایی نیز بیان می‌کند که عصمت مریم به‌عنوان یک ویژگی انسانی، نشان‌دهنده کمال روحی و اخلاقی اوست که به‌واسطه فیض الهی به دست آمده است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۲۴۰). این دیدگاه نشان می‌دهد که در قرآن، عصمت نه‌تنها ویژگی اخلاقی بلکه ابزاری برای ایفای نقش‌های الهی و انسانی حضرت مریم است.

### ۲-۵. در الهیات مسیحی

در الهیات مسیحی، دو آموزه مهم درباره حضرت مریم وجود دارد که به‌طور مستقیم با انسان‌شناسی و عصمت او مرتبط هستند:

الف. لقاح بی‌گناه (Immaculate Conception): این آموزه بیان می‌کند که مریم از لحظه‌ای که در رحم مادر قرار گرفت، از گناه اصلی پاک بوده است. این آموزه به‌ویژه در کلیسای کاتولیک پذیرفته شده است و در سال ۱۸۵۴ توسط پاپ پیوس نهم، به‌عنوان یک دگما اعلام شد (Pius IX, 1854). این آموزه نشان‌دهنده نگرش الهیاتی به انسان‌شناسی حضرت مریم است که وی را از آغاز زندگی‌اش از هرگونه گناهی پاک می‌داند.

ب. باکره‌گی دائمی (Perpetual Virginity): این آموزه تأکید می‌کند که حضرت



مریم نه تنها پیش از تولد حضرت عیسی، بلکه پس از آن نیز باکره باقی ماند. این دگما در قرن ششم میلادی در شورای دوم قسطنطنیه به عنوان یک دگما پذیرفته شد و در آن زمان حضرت مریم به عنوان "Aeiparthenos" (باکره دائمی) معرفی شد (Second Council of Constantinople, 553 AD). این آموزه نشان دهنده نگرش الهیاتی به انسان‌شناسی حضرت مریم است که ایشان را به عنوان یک موجود انسانی با ویژگی‌های فوق‌العاده و برگزیده معرفی می‌کند.

این دو آموزه در الهیات مسیحی، عصمت حضرت مریم را نه تنها به عنوان ویژگی اخلاقی، بلکه به عنوان ویژگی ذاتی و الهیاتی وی می‌بینند که او را از سایر انسان‌ها متمایز می‌کند.

#### ۶. مفهوم عصمت در بستر الهیات تطبیقی (Comparative Theology)

در الهیات تطبیقی، مفهوم عصمت حضرت مریم به عنوان یک ویژگی ممتاز انسانی با زمینه‌های الهیاتی در دو سنت دینی اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحلیل نشان می‌دهد که هر سنت دینی، عصمت را از منظر خود تبیین می‌کند و در عین حال، زمینه‌های مشترکی نیز میان این دو نگرش وجود دارد که در ادامه بررسی می‌شود:

##### ۱-۶. رویکرد اسلامی

در قرآن کریم، عصمت حضرت مریم به عنوان پاکدامنی انتخاب شده و حمایت الهی معرفی شده است، نه به عنوان ویژگی ذاتی جدا از انسانیت او. در آیات قرآن، مانند سوره آل عمران (آیه ۴۲) و سوره مریم (آیات ۱۶-۳۶)، آن حضرت انسانی برگزیده توصیف شده است که با انتخاب الهی و حمایت خداوند، از گناه و خطا محفوظ مانده است (طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۲۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۴: ۲، ۱۲۳). این رویکرد نشان می‌دهد که عصمت در اسلام ارتباط مستقیم با اراده الهی و پیروی اخلاقی انسان دارد و به نوعی تأکید بر مسئولیت انسان در ایفاء نقش الهی و اخلاقی اوست. علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان بیان می‌کند که عصمت حضرت مریم، نمایانگر کمال روحی و اخلاقی اوست که به واسطه فیض الهی حاصل شده و نشان دهنده جایگاه انسان برگزیده در مسیر الهی است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۲۴۰).

## ۲-۶. رویکرد مسیحی

در الهیات مسیحی، عصمت حضرت مریم عمدتاً از طریق آموزه‌های Immaculate Conception (لقاح بی‌گناه) و Perpetual Virginity (باکره‌گی دائمی) تعریف می‌شود. بر اساس این آموزه‌ها، آن حضرت از ابتدای تولد و تا پایان زندگی خود از هر گونه گناه و آلودگی پاک بوده است (Pius IX, 1854; Second Council of Constantinople, 553 AD). این رویکرد، مریم را به‌عنوان ویژگی ذاتی و فیض‌محور تبیین می‌کند و او را به‌عنوان واسطه تحقق برنامه نجات و تجلی فیض الهی معرفی می‌نماید (Brown, 1993: 138; Pelikan, 1996: 325). درحالی‌که اسلام بر عصمت به‌عنوان انتخاب الهی و پاکی انسانی تأکید دارد، مسیحیت آن را محصول فیض ذاتی و عنصر کلیدی در طرح نجات می‌داند.

## ۷. جایگاه عصمت در گفتگوی بین‌ادیانی

مطالعه تطبیقی عصمت حضرت مریم، امکان درک متقابل و ایجاد فضای گفت‌وگوی سازنده بین مسلمانان و مسیحیان را فراهم می‌کند. شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌ها در این مفهوم می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها کمک کند. برای مثال، درک اینکه عصمت در اسلام ویژگی انسانی و اخلاقی است، درحالی‌که در مسیحیت ذاتی و فیضی است، می‌تواند زمینه تعامل سازنده را ایجاد نماید (Haddad, 2012: 57).

علاوه بر این، عصمت حضرت مریم می‌تواند به‌عنوان محور در گفتگوهای بین‌ادیانی مطرح شود و نمادی از احترام مشترک به زنان مقدس و الگوی اخلاقی و معنوی باشد (Rahman, 2015: 112). با وجود تفاوت‌های آموزه‌ای، هر دو سنت بر اهمیت پاکی، تقوا و نقش الهی زنان در تاریخ نجات تأکید دارند؛ این نقطه مشترک می‌تواند اساس گفت‌وگوی اخلاقی و معنوی بین ادیان قرار گیرد. بنابراین، تحلیل تطبیقی عصمت حضرت مریم نه تنها افق‌های علمی جدیدی در حوزه الهیات تطبیقی ایجاد می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت همزیستی فکری و گفتگوهای بین‌ادیانی سازنده مورد استفاده قرار گیرد.



## ۸. پیامدهای کلامی و اعتقادی تفاوت‌ها در عصمت حضرت مریم

در الهیات اسلامی، عصمت حضرت مریم از منظر قرآن و سنت موجب برجسته شدن ابعاد اخلاقی و تربیتی شخصیت ایشان می‌شود. عصمت آن حضرت به‌عنوان حفظ از گناه و خطا به اراده الهی، زمینه‌ساز الگوسازی در زمینه عفاف، تقوا و ایمان است. آیات قرآن، مانند آل عمران (۴۲-۴۳) و مریم (۱۶-۳۶)، آن حضرت را انسانی برگزیده معرفی می‌کنند که با پشتیبانی الهی از انحراف و گناه محفوظ مانده است (طبری، ۱۴۲۲: ۴، ۲۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۴: ۲، ۱۲۳). از منظر کلامی، این عصمت پیامدهایی در حوزه اعتقادی و تربیتی دارد:

۱. الگو بودن برای مؤمنان: حضرت مریم نمونه‌ای از پاکدامنی، تقوا و تسلیم کامل به اراده الهی است و اعتقاد به عصمت او موجب تقویت هویت اخلاقی و معنوی مؤمنان می‌شود (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۳، ۲۴۰).

۲. تقویت باور به حمایت الهی: عصمت حضرت مریم نشان می‌دهد که خداوند انسان‌های برگزیده را برای ایفای نقش‌های مهم در تاریخ نجات هدایت و محافظت می‌کند. این مفهوم در الهیات اسلامی به شکل آموزه‌ای برای باور به عدالت و رحمت الهی بیان می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۰: ۵۶).

در الهیات مسیحی، عصمت حضرت مریم، عنصر مرکزی در طرح نجات و مسیح‌شناسی است. این مفهوم نشان می‌دهد که مریم به‌طور ذاتی از گناه پاک بوده و فیض الهی او را از آغاز زندگی همراهی کرده است (Pius IX, 1854; Second Council of Constantinople, 553 AD) این مفهوم، پیامدهای اعتقادی مهمی در مسیحیت به همراه دارد:

۱. پیوند با تولد حضرت عیسی<sup>(ع)</sup>: عصمت حضرت مریم به‌عنوان مادر عیسی، تضمین‌کننده قداست و کامل بودن نجات‌دهنده است. بدون عصمت حضرت مریم، آموزه الهیات مسیحی، به ویژه نقش حضرت مریم در تولد الهی عیسی، دچار مشکل می‌شد (Brown, 1993: 325; Pelikan, 1996: 138).

۲. الگوی ایمان و تقدس: در الهیات مسیحی، حضرت مریم نمونه‌ای از تسلیم کامل به اراده خداوند است و در عین حال، واسطه فیض الهی برای انسان‌ها محسوب می‌شود



(McBrien, 2008: 210). این نگرش موجب می‌شود که عصمت او با کلیت آموزه مسیح‌شناسی پیوند یابد و نقش وی در نجات بشر تقویت شود.

## نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی عصمت حضرت مریم در قرآن و انجیل نشان داد که هر دو سنت دینی، او را به‌عنوان شخصیتی ممتاز و پاک معرفی می‌کنند؛ اما ماهیت و پیامدهای عصمت در هر سنت متفاوت است. در قرآن، عصمت آن بانوی بزرگ، یک ویژگی اخلاقی و انسانی است که به انتخاب الهی و حمایت خداوند وابسته بوده و او را به الگوی ایمان، عفاف و تقوا تبدیل می‌کند. در حالی که در آموزه‌های مسیحی، یک ویژگی ذاتی و فیض‌محور است که نقش او را در تولد حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> و تحقق برنامه نجات تثبیت می‌کند و عصمت مریم ارتباط مستقیمی با آموزه مسیح‌شناسی و نجات‌شناسی دارد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که تفاوت‌های مفهومی عصمت در دو سنت، علاوه بر برجسته کردن رویکردهای متفاوت نسبت به پاکی و تقدس، می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی بین‌ادیانی فراهم کند و درک متقابل از نقش زنان مقدس در تاریخ نجات را تقویت نماید. همچنین، وجه مشترک عصمت در هر دو سنت (یعنی اهمیت پاکدامنی، ایمان و نقش ویژه زنان مقدس)، نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های کلامی، می‌توان از این آموزه به‌عنوان پلی برای تعامل معنوی و اخلاقی بین ادیان استفاده کرد.

بنابراین تفاوت‌های مفهومی عصمت حضرت مریم در قرآن و انجیل، هم فرصت‌های پژوهشی جدید در حوزه الهیات تطبیقی و مطالعات بین‌ادیانی ایجاد می‌کند و هم اهمیت زنان مقدس را در شکل‌دهی به آموزه‌های اخلاقی و نجات‌شناختی برجسته می‌سازد. این یافته‌ها می‌توانند مبنایی برای مطالعات آینده در زمینه نقش زنان در الهیات، تحلیل تطبیقی متون مقدس و گفت‌وگوی بین‌ادیانی باشند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

#### الف. منابع فارسی

۱. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۱۴ ق)، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۳. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالقلم.
۴. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۵. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹ ق)، محاضرات فی الالهیات، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۶. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر نشر اسلامی.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، قاهره: دارالهجرة.
۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، قم: منشورات جماعة المدرسین.
۱۰. علامه حلی، (۱۴۲۷ ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۲۴ ق)، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دارالفکر.
۱۲. مدرسی، علی، (۱۳۹۰)، اخلاق و انسان کامل در قرآن، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷ ش)، مجموعه آثار ۳، تهران: نشر صدرا.

#### ب. منابع انگلیسی

14. Augustine, St. (1998). The City of God. Trans. Henry Bettenson. London: Penguin.
15. Bauer, W., Danker, F. W., Arndt, W. F., & Gingrich, F. W. (2000). A Greek–

English Lexicon of the New Testament and Other Early Christian Literature (3rd ed.). Chicago: University of Chicago Press,

16. Brown, R. E. (1993). *The Birth of the Messiah*. New York: Doubleday
17. Brown, R. E. (1994). *The Death of the Messiah* (Vol. 1). New York: Doubleday,
18. Brown, R. E. (1999). *The Birth of the Messiah*. New Haven: Yale University Press,
19. Brown, Raymond. (1997). *An Introduction to the New Testament*. Yale University Press.
20. Carson, D. A. (1991). *The Gospel According to John*. Grand Rapids: Eerdmans
21. Haddad, Y. Y. (2012). *Interfaith Dialogue in the Modern World*. Oxford: OUP
22. Ibn Kathir, Ismā'īl. *Tafsir al-Qur'an al-'Azīm*. (2003)
23. Kelly, J. N. D. (2009). *Early Christian Doctrines*. HarperOne.
24. Köstenberger, A. J. (2005). "What Is Truth? Pilate's Question in Its Johanne and Larger Biblical Context." *Journal of the Evangelical Theological Society*, 48(1), 33–62
25. Louw, J. P., & Nida, E. A. (1996). *Greek–English Lexicon of the New Testament Based on Semantic Domains* (2nd ed.). New York: United Bible Societies, domain 88.289
26. McBrien, R. P. (2008). *Catholicism*. HarperOne,
27. McGrath, Alister. (2016). *Christian Theology: An Introduction*. Wiley-Blackwell
28. O'Collins, G. (2009). *Christology: A Biblical, Historical, and Systematic Study of Jesus Christ*. Oxford University Press,



29. Pelikan, J. (1996). *Mary Through the Centuries*. Yale University Press
30. Pelikan, Jaroslav. *Mary Through the Centuries* (1971)
31. Pius IX. (1854). *Ineffabilis Deus*. Vatican: Vatican Press.
32. Rahman, F. (2015). *The Study Quran*. HarperOne
33. Rahner, K. (1975). *Encyclopedia of Theology: A Concise Sacramentum Mundi*. New York: Seabury,
34. Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. (1997).